

گشت و گذاری در خیابان های انتخابات (۱)

نشریه دانشجویی بذر

دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۸۸

گزارش اول

پس از شروع تبلیغات رسمی کاننده‌ها، تب انتخابات واقعاً داغ شده و همه جا بر سرش صحبت است. بنظر می آید اینبار مردم از ترس احمدی نژاد بیشتر بیپای صندوق های رأی بروند. تردید و تزلزل در میان افرادی که مترقی و منتفر از رژیم هستند، نیز مشاهده می شود. برای بسیاری از مردم قانع کننده ترین بخش استدلالات اینست که امیدی به انقلاب و تحولات رادیکال و گسترده نیست. دنیا عوض شده و اینحرفا. پس باید با متانت و آرامش بدنبال دستیابی به حق و حقوقی باشیم تا اوضاع بدتر از این نشود. باید کاری کنیم تا این حکومت از درون پوست بیندازد و استحاله صورت گیرد. این دیدگاه است که باید آماج افشاگری همه نیروهای رادیکال باشد.

در تهران و حومه تبلیغات بیشتر از طرف موسوی و احمدی نژاد صورت می گیرد. دیروز طرفداران احمدی با ماشین در خیابانها با سرعت بسیار زیاد و خطرناک کورس گذاشته بودند. در جایی دیگر درحالیکه عکس های احمدی نژاد را بر ماشین زده بودند، تفنگ بادی در دست داشتند و نشانه گیری می کردند! برخی می گویند، ممکنست اینها حتا طرفداران احمدی نباشند. بلکه طرفدار کاننده دیگری باشند که به این طریق می خواهند احمدی نژاد را مثلاً خطرناک جلوه دهند!

طرفداران موسوی جوان، شیک و پیک و مودبند. می گن خودش گفته گشت ارشاد را بر می چیند!

خلاصه تنور داغ شده است. مشاهده و حرف و درس زیاد است. فضای عجیبی است. همین امشب بعد از پایان مناظره ی تلویزیونی کروی و احمدی نژاد در ساعت ۱۲ شب، مسیر ۲۰ دقیقه ای معمولی تقریباً یکساعت و نیم طول کشید. انگار همه ی مردم توی خیابان هستند. پیر و جوان در حال بحث هستند. اوضاع جالبی است. به نظرم اگر يك حزب انقلابی با رهبری مثل لنین در این اوضاع در این کشور حضور داشت، به احتمال زیاد می گفت: "دیروز زود است. پس فردا دیر است. همین امروز!" این بیان واقعیت عینی کنونی است. وقایع زاهدان یک نمونه از این موقعیت انفجاری است که متأسفانه به خاطر عدم حضور نیروهای انقلابی؛ مورد معامله نیروهای ارتجاعی قرار می گیرد. این اوضاع درس و تجربه زیاد دارد. مناظره ی کاننده‌ها – با همه ی کنترلی که بر آن اعمال می شود – عین چکاننده عمل می کند. نظام، با دست خودش و توسط نمایندگان اش – خودش را به لجن می کشد. درسهای این شبها باید يك به يك فرموله شده و ذخیره ی فعالیت انقلابی آتی شود.

گزارش دوم

اینها فقط يك رشته مشاهدات و نتیجه گیری های سرسری است؛ ولی شاید بتواند تصویری از آنچه دردل جامعه می گذرد، به دست دهد. خیابان ها پر است از جوانان و زنان. بیشترین رنگی که به چشم می خورد سبز است به نشانه حمایت از موسوی. طرفداران کروی هم این یکی دو روزه فعال تر از قبل شده اند و علنش نزدیک شدن تاریخ مناظره زنده تلویزیونی او با احمدی نژاد است. تنور انتخابات را گرم کردند و اینبار با مناظره موسوی و احمدی نژاد. تأثیر این مناظره چند گانه بود. خیلی ها از افشای رفسنجانی و ناطق نوری خوششان آمد؛ و اصلاً هم حواسشان نیست که این احمدی نژاد است که دارد افشاگری می کند. این نشان می دهد که مساله "زدی" و "رانت خواری" و "استفاده از امتیازات" در سی سال گذشته، عقده و تنفر زیادی در جامعه به وجود آورده، طوری که حتی احمدی نژاد هم می تواند کماکان بر سرش مانور بدهد. خیلی ها از "مظلومیت" و "متانت" موسوی در مقابل وقاحت احمدی نژاد خوششان آمد؛ و جالب است که يك گرایش فرهنگ عقب مانده (یعنی موضوع ناموس!) باعث شده که حتی برخی از هواداران احمدی نژاد، آنجا که او عکس زهرارهنورد را در مقابل چشم موسوی گرفت و سؤال کرد که: "این خانم را که می شناسید؟ بگم؟!"، خوششان نیاید.

حالا دیگر خیلی ها که قبلاً فحش می دادند و قول می دادند که دیگر گول نخواهند خورد و در انتخابات شرکت نخواهند کرد، تصمیمشان را عوض کرده اند و می گویند "اینبار فرق می کند." منظورشان این نیست که اینبار مشکل احمدی نژاد را داریم، بلکه می گویند که اینبار می شود پیروز شد. امیدوار شده اند.

حال و هوا کاملاً با انتخابات دوره پیش فرق دارد. در دوره قبل واقعا خط تحریم قوی بود. در خیابان ها هم این شور و شوق نبود. ولی حالا خیلی ها بیرون می آیند و علیه بحث تحریم، فعالانه بحث و استدلال می کنند. این را با قاطعیت می توانم بگویم که مدرسه آموزش استدلال های مخالفان تحریم، ماهواره ها هستند! از دهان همه يك جور استدلال خارج می شود که هر شب از بی بی سی و صدای آمریکا، از بهنود و نوری زاده و هزار و يك عنصر مرتجع و مذبذب سازشکار و سیاسی فرصت طلب می شنویم.

صحنه ها خیلی خیلی به ماجرای "انقلاب های رنگی" شبیه شده است. انگاری این انتخابات را می خواهند به يك فرایند آنجوری تبدیل کنند. البته این وسط يك تفاوت با صحنه های کشورهای بلوک شرق سابق دارد. نیروهای سرکوبگر آگاهانه از خیابان ها خارج شده اند. گشت ارشاد "برچیده" شده است! مامورانی که اینجا و آنجا می بینی فقط نقش ناظر را دارند. یعنی طرفین دعوا آگاهانه طوری رفتار می کنند که انگار همه جناح ها طرفدار روش "انقلاب مخملی" اند!! شعارهای طرفداران موسوی و کروبی البته دارد تندتر می شود. يك چیز دیگر هم که به نظرم آمد اینست که برخی از جوانان (و دانشجویان) مخالف تحریم به نوعی چاره را در همراهی با موج دیده اند و در صف کروبیون یا موسویون در خیابان هستند و شعارهای تندتر را می دهند. یعنی در این سطح برای خودشان وظیفه و امکان فعالیت تعیین کرده اند.

يك نکته دیگر که باید در پشت مناظره حاد تلویزیونی احمدی نژاد و موسوی متوجه اش بود، شاید این باشد که جمهوری اسلامی دیگر نمی تواند به شیوه سابق و شکل و شمایل سابق جلو برود (در دنیای امروز و تناسب قوا و تضادهایش). یعنی يك پروسه تر و تازه شدن و پوست انداختن را دارند پیش می برند. منظورم فقط موسوی و کروبی و رضایی نیست؛ حتی از جانب جناح احمدی نژاد هم این جور رفتار "رادیكال" می تواند فقط نشانه در گوشه قرار گرفتن و چنگ انداختن نباشد؛ بلکه واقعا می خواهند يك جور خانه تکانی درونی کنند و مناسبات قدرت درون رژیم اسلامی را دوباره تعریف کنند.

يك چیز جالب دیگر هم که امروز دیدم، کاروان های حامیان احمدی نژاد با پرچم های سه رنگ و عکس او بود. خودروهای آخرین سیستم؛ بیشتر سیاهرنگ؛ تیپ لند کروزر؛ با دختران و پسران جوان؛ با پخش موسیقی های پاپ و رپ رایج؛ با دخترانی که از نظر سر و وضع برای رو کم کنی از طرفداران موسوی به میدان آورده شده اند؛ همه "بدحجاب" و با ماکیاژ!! البته حامیان سنتی هم به شکل خانوادگی با حاج خانم ها و بچه های نذر در ماشین های پژو چپیده اند و عکس احمدی نژاد را در دست گرفته اند.

شعارهایی که امروز شنیدم: احمدی هسته ای! بخواب بابا! خسته ای! / دولت سیب زمینی نمی خوریم! نمی خوریم! / احمدی بای بای! احمدی بای بای! / احمدی حیا کن! مملکتو رها کن! / اتل مثل توتوله، دیکتاتور کوتوله! / ...

ضمناً بیشتر مردم فکر می کنند که احمدی نژاد در مناظره، از تاکتیک حمله و دست پیش را گرفتن، استفاده کرد. اما به نظرم رفسنجانی چون می دانست احمدی نژاد این کار را خواهد کرد، شب قبل از طریق پسر آیت الله خزعلی که يك عنصر بزرگ اطلاعاتی باید باشد و آشکارا همگروه رفسنجانی است، در صدای آمریکا به افشای نقش احمدی نژاد و حسین شریعتمداری در قتل دکتر کاظم سامی پرداخت. (مشخصاً از این دو نفر و دستگیر شدنشان در آن پرونده و بی دلیل آزاد شدنشان صحبت کرد.) در مورد قتل احمد خمینی حرف زد. در مورد قتل های زنجیره ای و کنار سعید امامی بودن در چهار پنج قتل آخر صحبت کرد و... گفت خیلی از مدارك هم با ذکر اسامی روی سایت هم هست و بروید بخوانید.

و نکته آخر. همین الان یکی از سخنگویان ستاد احمدی نژاد دارد با صدای آمریکا در بخش تبلیغ کاندیداها صحبت می کند! این در حالی است که دو هفته پیش، همین ستاد اعلام کرده بود که ما هیچ حرفی با صدای آمریکا نداریم!! ...

نشریه دانشجویی بذر